

Levi's



اقامت در سانفرانسیسکو

داستان‌های زیادی راجع به لوی اشتراش در بدو ورودش به سانفرانسیسکو و نحوه‌ی فروش اولین شلوارش بیان شده است. طبق یکی از آنها؛ زمانی که کشتی حامل لوی اشتراش به ساحل نزدیک می‌شود، مردم مقابل کشتی به صف می‌شوند و به سرعت تقریباً تمامی آنچه اشتراش آورده را از او خریداری می‌کنند. آنها در ازای اجناس، گرد طلا پرداخت می‌کنند. فقط از مجموعه کالاهای اشتراش کمی کتان باقی مانده بود، نوعی پارچه محکم برای ساخت چادر. از آنجائی که معدن کاران به سبب حفاری شلوارهایشان دوام چندانی پیدا نمی‌کرد نیاز اصلی آنها ظاهراً خرید شلوار بود بنابراین لوی به این فکر افتاد که پارچه‌های کتانی باقی مانده را به خیاطی بدهد تا برای مشتریان شلوار بدوزد. ایده تولید شلوارهای کار، مسیر تازه‌ای را در زندگی شغلی لوی اشتراش روشن کرد و در اندک زمانی با سر زبان افتادن این محصول جدید کار لوی رونق گرفت.

در سانفرانسیسکو، اشتراش با خواهر و شوهر خواهرش یعنی «دیوید استرن» زندگی می‌کرد. او و استرن نخستین فروشگاهشان را نزدیک بارانداز خیابان ساکرامنتو^۱ افتتاح کردند. در فروشگاه انواع خشکباری که برادران از نیویورک ارسال می‌کردند و نیز البسه عرضه می‌شد. چون ورود کالا از راه دریا وضعی غیر قابل پیش‌بینی داشت، هر جا فرصتی بود اشتراش کالا می‌خرید، مثلاً در مزایده کشتی‌هایی که وارد می‌شدند و همزمان به شهرهای متعددی در شمال کالیفرنیا سفر می‌کرد تا کالاهایی را به معدن کاران بفروشد. لوی اشتراش فعالیتش را در سانفرانسیسکو، محل سکونت یهودیان گسترش داد و شروع به جمع آوری پول جهت ساخت «کنیسیه» نمود.

چنان که کسب و کار به اندازه کافی نمو کرد و توسعه یافت، نام آن به شرکت اشتراش و شرکا تغییر یافت. در این اثنا چندین بار مکان شرکت عوض شد تا بالاخره در خیابان «باتری»^۲ مستقر گردید. در آن مقطع حوزه‌ی کار تشکیلات فروش عمده‌ی لباس، خشکبار، پارچه کتانی، پوتین و انواع کفش بود که برخی از اقلام از اروپا وارد می‌شدند و البته تعدادی را نیز تولیدات شرکت تشکیل می‌دادند. در میان فرآورده‌ها شلوارهای کتانی برای کار مشتریان بیشتری داشتند. در کنار تولید و فروش کالاها، لوی اشتراش و شرکا املاک و مستغلاتی را خریداری نمودند، از جمله هتل «اورینتال»^۳، که

در مرکز شهر واقع بود. در ۲۱ اکتبر ۱۸۶۸، یک زمین لرزه شدید سانفرانسیسکو را لرزاند. گرچه دفتر اصلی اشتراش پابرجا ماند ولی خسارت زیادی بر آن وارد گردید. او و استرن طراحی

در آغاز عصر رونق‌گیری ایالات متحده آمریکا بود که لوی اشتراش^۱ به تهیه و عرضه محصول جین به بازار پرداخت. شلوارهایی که او مبتکر تولیدشان بود با اقبال عمومی مواجه شدند، به‌گونه‌ای که نام کوچک لوی اشتراش نیز در مدت کوتاهی با قرار گرفتن بر این محصول تازه تبدیل به نامی آشنا در میان آمریکایی‌ها شد.

«هرش اشتراش»^۲، یک دستفروش خشکبار بود

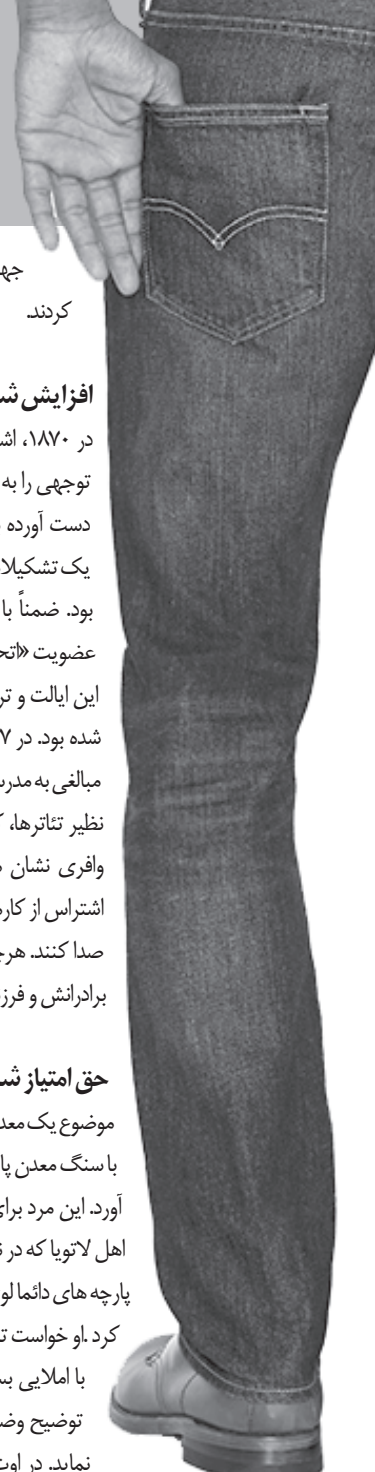
که چهار فرزند به نام‌های جاکوب، جوناس، لییمان (بعداً لوئیس) و مایلا (بعداً مری)^۳ از همسر اول داشت که در سال ۱۸۲۲ در گذشت. هرش مجدداً ازدواج مجددی داشت و صاحب دو فرزند دیگر به نام‌های ووگلا (بعداً فانی) و لوئب (بعداً لوی)^۴ هم گردید. لوی، کوچکترین فرد خانواده بود که در ۲۶ فوریه ۱۸۲۹ در روستایی از توابع ایالت باواریا به نام بوتنهایم^۵ متولد شد.

برای یهودیان زندگی در بوتنهایم آسان نبود. آنها تنها اجازه داشتند در بخش کوچکی از شهر زندگی کنند. عرصه بر این اقلیت دینی تنگ شده بود؛ شمار ازدواج‌های این اقلیت دینی کم شده بود، یهودیان ناگزیر به پرداخت مالیاتی ویژه برای خانه‌ها و مشاغلشان بودند و بعضاً در شهرهای نزدیک مورد حمله قرار گرفته و کشته می‌شدند؛ در این اثنا مخالفان اقوام سامی از فرصت سوءاستفاده کرده و خانواده‌های این گروه را به مهاجرت به ایالات متحده تحریک می‌نمودند.

هرش اشتراش در اثر بیماری سل و ناخوشی جدی ربوی، قادر به سفر نبود. پس از مرگ او در ۱۸۴۵، جوناس و لوئیس راهی آمریکا شدند و مستقلاً کسب و کار خشکبار را آغاز نمودند. در ژوئن ۱۸۴۷، همسر هرش به همراه مایلا (مری)، ووگلا (فانی) و لوی ۱۸ ساله اجازه خروج و گذرنامه دریافت کرده و مصمم به حرکت به سوی آمریکا و سفری سخت برای چندین هفته از طریق دریا شدند.

تازه واردین به جوناس و لوئیس در شهر نیویورک پیوستند. شهری بزرگ که محل اسکان بسیاری از مهاجرین دیگر یهودی شمرد می‌شد. فانی با دیوید استرن^۶ ازدواج کرد و به سنت لوئیس در میسوری رفت و بعد به سانفرانسیسکو رفت. مری با ویلیام سالین^۷ ازدواج نمود. در ۱۸۴۸، جوناس و لوئیس که هردو به صورت فروشنده سیار کار می‌کردند بالاخره با افتتاح فروشگاهی برای خشکبار در منطقه‌ای در نیویورک مستقر شدند و لوی اشتراش زندگی خود را به صورت فروشنده سیار در آمریکا شروع می‌کرد. او در ۱۹ سالگی به کنتاکی^۸ برای کسب و کار نقل مکان نمود. سال ۱۸۴۸ در پی اکتشاف طلا در کالیفرنیا، در این ایالت ازدحامی برای یافتن ثروت پدید آمد که هم از راه معدن کاری و هم فروش کالا به معدن کاران امکان‌پذیر بود. لوی اشتراش ۲۴ ساله هم که در این موقع رسماً شهروند آمریکایی بود در ۱۸۵۳ با پشت سر گذاردن راهی طولانی و دشوار با هر آنچه کالا که استطاعتش را داشت به سوی کالیفرنیا رفت تا به خانواده خواهرش، فانی، ملحق گردد.





شرکت‌های تابعه ی راه‌آهن، نقل و انتقال محموله‌های تجاری را با این وسیله بسیار گران کرده بود.

در ۱۸۹۱، اشتراس و دیگر صاحبان کسب و کار در سانفرانسیسکو تلاشی را به منظور ساخت یک خط آهن مجزا از مقصد سانفرانسیسکو به «سال لیک سیتی»^{۱۳} در ایالت یوتا را آغاز کردند که البته طرح مذکور با شکست مواجه شد. اما اشتراس همواره راه اندازی خط آهن جایگزین را ضروری می‌دید و بالاخره با حمایت ۲۵ هزار دلاری از یک نقشه‌بازینی شده توسط یک تاجر متنفذ به نام «کلاوس اسپرکلس»^{۱۴} و همیاری گروهی از صاحبان کسب و کار، خط آهن سانفرانسیسکو و دره «سن جواکین»^{۱۵} ساخته شود.

هرگز باز نشسته نشد

گرچه فرزندان خواهرش از ۱۸۹۰ اداره موسسه را بر عهده گرفتند، اشتراس هرروز در دفتر کارش حاضر می‌شد، ملاقات‌هایی ترتیب می‌داد و همچنان سمت ریاست شرکت را برای خود حفظ کرد. در یک مصاحبه که در اکتبر سال ۱۸۹۵ در مجله «سانفرانسیسکو بولتن» منتشر شد اشتراس گفت: «تصور نمی‌کنم ثروت‌های هنگفت دلیل شادی برای صاحبانشان باشند، چه بسا ثروتمندان برده ثروت‌هایشان می‌شوند. آنها گاه زندگیشان را وقف دارائی‌هایشان می‌کنند. باور نمی‌کنم ثروت برای صاحبش دوست بیآورد. در واقع، اغلب نتیجه کاملاً برعکس است.»

متأسفانه با آغاز دهه هفتادسالگی، لوی اشتراس دچار نارسایی قلبی گردید به طوری که پزشکان توصیه کردند تا بیشتر به استراحت بپردازد. او مدتی را در املاک خانوادگی‌اش در منطقه‌ای آرام در نزدیکی سانفرانسیسکو سپری نمود و مسئولیت‌ها را کاملاً به خواهر زاده‌هایش واگذار کرد.

لوی در سپتامبر ۱۹۰۲ در حالی دارفانی را وداع گفت که فقدانش ضایعه بزرگی برای شهر سانفرانسیسکو و ساکنین آن به محسوب می‌شد.

جهت ساختمان جدیدی در همان موقعیت خیابان باتری را آغاز کردند

افزایش شهرت

در ۱۸۷۰، اشتراس دیگر یک میلیونر به شمار می‌رفت و شهرت قابل توجهی را به هم عنوان یک تاجر و هم فرد خیر در سانفرانسیسکو به دست آورده بود. وی عضو جمعیت «Eureka Benevolent» شد که یک تشکیلات خیریه ی یهودی برای کمک به یتیمان، بیوه‌ها و نیازمندان بود. ضمناً با چندین یتیم خانه همکاری داشت. در ۱۸۶۹، اشتراس به عضویت «اتحادیه مهاجرین کالیفرنیا» درآمد که با هدف ترویج محصولات این ایالت و ترغیب مهاجرت از اروپا و ساحل شرقی به این ناحیه تاسیس شده بود. در ۱۸۹۷، اشتراس ۲۸ بورسیه در دانشگاه کالیفرنیا برقرار کرد و مبالغی به مدرسه ناسنویان کالیفرنیا اختصاص داد. او به رویدادهای فرهنگی نظیر تئاترها، کنسرت‌ها و کلوپ‌های اجتماعی و ادبی در شهر علاقه ی وافری نشان می‌داد. انصاف، صداقت و فروتنی او زبانزد همه بود. لوی اشتراس از کارمندانش می‌خواست به جای آقای اشتراس او را فقط «لوی» صدا کنند. هرچند هرگز از دواج نکرد و دارای فرزندی نشد اما به خواهران و برادرانش و فرزندان آنها وابستگی زیادی داشت.

حق امتیاز شلوار

موضوع یک معدنچی و اینکه چگونه مرتباً جیب‌های شلوارش به علت انباشتن با سنگ معدن پاره می‌شد، حکایت تازه‌ای را در کسب و کار لوی اشتراس پدید آورد. این مرد برای حل مشکلش به «جاکوب دیویس»^{۱۳} یک خیاط یهودی اهل لاتویا که در نوادا ساکن شده بود مراجعه کرد، این خیاط که مشتری دائمی پارچه‌های دائم‌الوی اشتراس بود جیب‌های مرد را با میخ‌های مس اندود محکم کرد. او خواست تا ابداعش را به ثبت برساند اما پول کافی نداشت، پس نامه‌ای با املائی بسیار ضعیف در ۲ جولای ۱۸۷۳ به اشتراس نوشت و ضمن توضیح وضعیت نامساعدش تقاضا کرد تا او را در ثبت این اختراع یاری نماید. در اوت همان سال اشتراس و دیویس تقاضای حق امتیاز کردند که در ۲۰ ماه می ۱۸۷۳ محقق گردید. دیویس برای کار نزد اشتراس آمد تا اولین

تاسیسات تولیدی واقع در ساحل غربی را سرپرستی کند.

دیوید استرن در ژانویه ی ۱۸۷۴ در سن ۵۱ سالگی درگذشت. پسرانش جاکوب، لوئیس و زیگموند همگی تصمیم به همکاری با شرکت لوی اشتراس و شرکاء گرفتند. اشتراس املاک و مستغلاتی در مرکز تجاری شهر سانفرانسیسکو داشت و به عنوان هیأت مدیره شرکت‌های متعددی از جمله «شرکت گاز سانفرانسیسکو» کار می‌کرد.

لوی اشتراس یکسال بعد کارخانجات «Mission & Pacific Woolen» را با انگیزه ی بهبود در تولید شلوار و کت خریداری کرد. در ۱۸۹۰، اشتراس موسسه سهامی «لوی اشتراس و شرکاء» را به ثبت رسانید در حالی که ۵۵ درصد از سهم آن را برای خودش نگاه داشت و الباقی را میان هفت فرزند استرن قسمت کرد.

راه آهن جدید

۱۸۶۹ مصادف با اتمام راه‌آهن سراسری بود لیکن هنوز قیمت‌های تعیین شده توسط

- 1- Levi Strauss
- 2- Hirsch Strauss
- 3- Jacob, Jonas, Lippman (Louis),Maila(Mary)
- 4- Vogela (Fanny),Leob(Levi)
- 5- Buttenheim
- 6- David Stern
- 7- William Sahlein
- 8- Kentucky
- 9- Sacramento
- 10- Battery
- 11- Oriental
- 12- Jacob Davis
- 13- Salt Lake City
- 14- Clause Spreckels
- 15-San Joaquin

منبع: en.wikipedia.org



CÉLINE



ویپیانای سلین اعتقاد داشت مطابق مد روز بودن برای یک خانم، استفاده از لباس‌های عجیب و افراطی نیست، بلکه به معنای پوشیدن لباس‌های شیک و پرمصرف براساس رنگ‌ها و طرح‌های مد روز و متناسب با شرایط آن خانم است. طراحی سلین مبتنی بر تکه‌های جداگانه لباس قرار داشت که شامل دامن بلند یا کوتاه هماهنگ با کت یا جلیقه و یا بلوزهای کشیاف ظریف و گاه کمربندهای پهن و کفش‌هایی از جنس پوست طبیعی می‌گردید تا راحتی و سهولت در جایگزینی هر تکه با تکه‌های دیگر میسر باشد. در سال ۱۹۸۷، برنارد آرنولد تصمیم گرفت تا سرمایه سلین را خریداری کند. و بالاخره در ۱۹۹۶، در ازای ۲٫۷ میلیارد فرانک معادل ۵۴۰ میلیون دلار، این برند با گروه LVMH ادغام شدند. طراح مشهور لباس بانوان، مایکل کورس^۴ در سال ۱۹۹۷ اولین طراح و مدیر خلاق سلین بود. در دوره تصدی وی، زنانگی به شیوه مدرن را با روح تحمل درهم آمیخت. در سال ۲۰۰۴، مایکل کورس به هدف تمرکز بر برند خودش تشکیلات را ترک کرد. در سال ۲۰۰۵، طراح ایالیایی روبرتو منیچتی^۵ به عنوان مدیر خلاق برگزیده شد. یک سال بعد طراح کرواتسیایی، ایوانا اومازیک^۶ هدایت استودیوی طراحی را عهده‌دار گردید. او در سمت مشاور برای برندهای متعددی از جمله: رومئو جیلی، پرادا، ژیل سندر، میومیو^۷ فعالیت کرده بود.

در سال ۲۰۰۸، فوب فیلو^۸ طراحی پارسی مقيم لندن به عنوان مدیر خلاق سلین انتخاب شد. وی کارش را بعد فارغ‌التحصیلی از دانشگاه در ۱۹۹۶ به همراه دوستش استلامک کارتنی^۹ با کار در تشکیلات Chloe آغاز کرد و در سال ۲۰۰۱ سمت مدیر خلاق این برند را به دست آورد. در سال ۲۰۰۵ مقام طراح سال کشور انگلستان را کسب نمود ولی تشکیلات Chloe را در سال ۲۰۰۶ برای گذراندن وقت بیشتر با خانواده‌اش ترک گفت. فوب فیلو، با طراحی‌های ویژه‌اش توانست یکبار دیگر در سال ۲۰۱۰ به عنوان طراح برتر سال در انگلستان انتخاب شود. انتصاب فوب فیلو به مدیریت برند سلین سبب شد تا یکبار دیگر برند سلین، احیاء و محبوبیت عامه را تجربه کند. تشکیلات سلین در حال حاضر با درآمد سالیانه بالغ بر ۱۷۵ میلیون پوند، دارای صدها فروشگاه در سرتاسر دنیا می‌باشد و در شبکه‌های گسترده از فروشگاه‌های شاخص در ایالات متحده، آمریکا و انگلستان و پاریس به ارائه محصول پیردازد.

سلین، برند لباس حاضری و کالاهای چرمی می‌باشد که از سال ۱۹۹۶ در مالکیت گروه LVMH قرار دارد. این برند، سال ۱۹۴۵ توسط خانم سلین ویپیانای بنیان گذارده شد. دفتر آن در شهر پاریس قرار دارد و در حال حاضر مدیریت اجرایی تشکیلات سلین، برعهده مارکو گوبتی^۱ است. در سال

۱۹۴۵، بانوی پارسی، سلین ویپیانای، با مساعدت همسرش روبرت، بوتیکی به نام خودش برای فروش کفش‌های بچه‌گانه افتتاح کرد. با استقبال غیرمنتظره از کفش‌ها، ایده عرضه البسه و زیورآلات زنانه در ذهن ویپیانای سلین شکل گرفت. در دهه ۱۹۵۰، ویپیانای برند ویژه خود را ایجاد نمود، برندی که برای کالاهای لوکس تدارک دیده شده بود. همانطور که پیش‌بینی می‌شد پایان جنگ جهانی، سرآغاز دوره‌ای از

تجدید جذابیت کالاهای لوکس نزد مصرف‌کنندگان بود و در این اثناء، سلین موفق شد تا در کمال خوش‌شانسی خط RTW، مختص لباس زنانه را به برند خود بیافزاید. به این ترتیب، در اواخر دهه ۱۹۵۰، طیف متنوع کیف دستی و کفش زنانه سلین، محبوب بانوان فرانسوی گشته بود. محبوبیت این محصولات سبب شد تا مشتریان با سطح درآمد و سلیقه‌ی بالا جلب این

برند شوند و به تبع، این نقطه عطفی در دوران کسب و کار سلین به شمار می‌رفت. از دهه ۱۹۶۰ به بعد که سلین به واقع سیر صعودی را پیش گرفته بود، علاوه بر بازار طبقه مرفه، به گونه‌ای استراتژی خود را تغییر داد که بازار متوسط جامعه به لحاظ اقتصادی را نیز جلب نماید. طی دهه‌ی ۱۹۷۰، برند لوکس و بین‌المللی سلین به جایگاهی ناآشنا شده بود که پی در پی فروشگاه‌های جدیدی در اقصی نقاط دنیا افتتاح می‌کرد. برای خانم ویپیانای سلین، کیفیت مواد اولیه، کلید اصلی تولید کالاهای چشمگیر و بادوام محسوب می‌شد. به موازات توجه بر کیفیت، وی برنوآوری دائم تمرکز داشت مثلاً زمانی که پارچه‌های دنیم مد شد، طرح‌های جدیدی مانند رنگ‌های پاستل را روی آن کار می‌کرد تا به نحوی زنانه‌تر شوند.



- 1-Celine Vipiana
- 2-Marco Gobetti
- 3-Bernard Arnault
- 4-Michael Kors
- 5-Roberto Menichetti
- 6-Ivana Omazic
- 7-Romeo Gili, Prada, Jil Sander, Miu Miu
- 8-Phoebe Phili
- 9-Stella McCartney



Nina

NINA RICCI



ریچی، توسط لوسین لئونگ^۱، ریاست وقت اتاق بازرگانی کشور فرانسه، به اجرا گذارده شد. طی نمایشگاهی که در محل لوور پاریس برگزار شد طرح‌های لباس چهل خیاط فرانسوی از جمله بالنسیاگا^۲، مادام گرس^۳، نیناریچی و غیره، بر روی بیش از ۱۵۰ مانکن در معرض دید بازدیدکنندگان قرار گرفتند.



پس از توفیق عظیم و استقبال عمومی در شهر پاریس، برنامه این نمایشگاه در تمام اروپا و آنگاه ایالات متحده نیز به اجرا درآمد. اوایل دهه ۱۹۵۰، ماریاریچی، که نزدیک به ۷۰ سال داشت، کم کم از نقش فعال در عرصه مدسازی و طراحی کناره می گرفت اما نظارتش بر تشکیلات همچنان تلاوم داشت. در سال ۱۹۵۴، رابت ریچی به سبب غیبت مادر در بخش طراحی، ناگزیر یک طراح دیگر به نام ژول - فرانسوا کراهی^۷ به کارگمارد. در ۳۰ نوامبر ۱۹۷۰، ماریاریچی در سن ۸۷ سالگی دیده از جهان فرو بست. رابت ریچی نیز در سال ۱۹۸۸ دارفانی را وداع گفت و شرکت به نوه نیناریچی یعنی ژیل فوش^۸ رسید.

- 1-Maria Nielli
- 2-Luigi Ricci
- 3-Raffin
- 4-Lucien Lelong
- 5-Balenciaga
- 6-Madam Gres
- 7-Jules-Francois Crahay
- 8-Jilles Fuchs

منبع: en.wikipedia.org

ماریا نیلی^۱ سال ۱۸۸۳، در تورین ایتالیا متولد شد. او در پنج سالگی با خانواده اش به شهر فلورانس نقل مکان نمود و آنگاه در ۱۸۹۵ در سن دوازده سالگی به فرانسه مهاجرت کرد. نینا نام مستعاری بود که برای خود برگزید. در سیزده سالگی کارآموزی در زمینه دوزندگی لباس را آغاز نمود. علاقه وافرش به مد و طراحی لباس را در همان سال‌های نوجوانی دریافت. در سال ۱۹۰۴، نینا با جواهر فروشی به نام «لوئیجی ریچی»^۲ پیمان همسری بست و نامش به ماریا ریچی تبدیل گردید و بعدها آنها صاحب فرزندپسری شدند که رابت نام گرفت. در سال ۱۹۰۸، ماریا به عنوان طراح در مزون لباس «رافین»^۳ استخدام شد و این همکاری به مدت بیست سال ادامه داشت. عاقبت این ارتباط، مبدل به شراکت نیناریچی با رافین گردید و سپس زمانی در سال ۱۹۳۲ آنجا را ترک گفت که برای راه اندازی مزون طراحی لباس خودش آماده نمود.

به این ترتیب، «مزون لباس نیناریچی» در سال ۱۹۳۲، توسط ماریا وهمیاری پسرش رابت افتتاح شد. ماریا در آن زمان ۴۹ ساله بود و اینک آرزوی دیرینه طراحی مدل‌های دلخواه خودش تحقق پیدا می کرد. ماریا ریچی در حالی غرق ارائه طرح‌هایش بود که اداره تشکیلات را به طور کلی به پسرش سپرده بود. شیوه کار ماریا ریچی بسیار دقیق بود و او پارچه‌ها را تا اتمام لباس به روی مانکن‌ها حفظ می کرد تا مطمئن شود که درست مطابق اندازه و الگوی اصلی هستند. طرح‌های نینا ریچی خیلی زود به واسطه صحت اندازه‌ها، بدیع بودن مدل‌ها و القای حس زنانه که بدون استثناء در همه مجموعه‌ها رعایت شده بودند، از محبوبیت و شهرت به سزایی بهره‌مند گردیدند.

مزون لباس او با سرعت چشمگیری گسترش می یافت به طوری که ظرف اندک زمانی تشکیلات از ۳۱ اتاق، به ۱۱ طبقه در سه ساختمان تغییر کرد و البته انواع کالاهای چرمی و ضامم لباس نیز به محصولات قابل عرضه آن افزون گردیدند.

در ۱۹۴۵، بایاپایان جنگ، طراحان در تلاش برای راهی در جهت احیای توجه بانوان به جریان مدسازی بودند. در این میان ایده موثر رابت



CHARLES JOURDAN Paris



شارل ژوردن (۱۸۸۳-۱۹۷۶)

شارل ژوردن یک طراح مد و لباس فرانسوی بود که با آغاز کار از سال ۱۹۱۹، به علت طرح های مبتکرانه در کفش زنانه شهرت یافت. شهرت وی پس از مرگش و با تلاش های پسرانش به اوج رسید و البته این موفقیت را نخست مرهون استفاده از مواد کاملاً نوآورانه و آنگاه عرضه طرح های دقیق و ماهرانه بودند. بعد از سال ۲۰۰۰ تشکیلات رو به افول نهاد و به بانکداران سرمایه گذار فروخته شد.

شارل ژوردن که از ابتدا برای کار کفافی تعلیم دیده بود، پس از خاتمه ی جنگ دوم جهانی یک فروشگاه در رومانس، واقع در منطقه «دروم»، مرکز صنعت کفش فرانسه افتتاح کرد. محصول کفش زنانه شارل ژوردن توفیق چشمگیری به دست آورد و استقبال از این محصول، موجبات تمرکز وی بر این بخش را فراهم آورد.

به طوریکه بعد از دو سال یعنی در ۱۹۲۱، ژوردن توانست شرکت تولیدی کفشش را به کارخانه ای در بلوار ولتر آ منتقل کند و افزون بر سی نفر را همچنان در مکان قبلی دراستخدام نگاه دارد. در دهه ی ۱۹۳۰، ژوردن اولین طراح کفشی بود که در مجلات مد و لباس برجسته آگهی چاپ کرد و این عمل نام کسب و کار وی را به عنوان طراح مد برسر زبان ها انداخت.

در ۱۹۴۷، سه پسرش رنه، شارل و رولند^۴ به شرکت پوستند و در ۱۹۵۰، تشکیلات را به فراتر از مرزهای فرانسه گسترش داده و فروش در انگلستان را شروع نمودند.

سال ۱۹۵۷، مصادف با افتتاح نخستین بوتیک ژوردن و پسرانش در شهر پاریس بود. گرچه همواره مقرر اصلی ارائه محصولات در شهر رومانس حفظ گردید. در ۱۹۵۹، به شرکت امتیاز طراحی و ساخت کفش تحت برند «کریستین دیور»^۵ اعطا شد و در سال های بعدی طرح هایی را تحت برچسب «پیر کاردن»^۶ خلق کردند.

دغدغه قرار داشتن در مرکز توجه و اصولاً دیده شدن در حوزه صنعت کفش باعث شد تا شرکت برنامه ریزی وسیعی در نوآوری، طراحی، تولید و نیز در راستای بهبود و توسعه انجام دهد. دهه ی ۱۹۶۰ و اوایل ۱۹۷۰، به هدف نمایاندن تصویر یک برند پیشرو، ژوردن از برنامه ی

جامع تبلیغ در نشریات بهره گرفت.

سال ۱۹۷۵، آغازی بود برای اضافه شدن لباس حاضری و کیف به طیف محصولات شرکت شارل ژوردن، هرچند هنوز اعتبارش را مدیون کفش های زنانه بود.

شارل ژوردن در ۱۹۷۶، دیده از جهان فروبست لیکن کسب و کارش با هدایت و پشتکار پسران تداوم یافت. در یک دهه بعدی، رولند ژوردن پسر سوم، مدیریت بخش طراحی را عهده دار بود و در این مقطع با ابتکاراتی همچون تیز کردن نوک کفش یا استفاده از تسمه های کوچک در جهت ظرافت و تناسب طرح ها، بیش از پیش مورد توجه قرار گرفتند. تا این زمان، در شهرهای مهم اروپایی و نیز امریکای شمالی بوتیک های متعددی به محصولات شارل ژوردن اختصاص داشتند. رولند ژوردن در سال ۱۹۸۱ بازنشسته شد و البته شرکت همچنان برای طرح های دقیق و کاهرانه معروف ماند.

در تکمیل مجموعه ی محصولات و به مناسبت تولد ۷۵ سالگی تشکیلات، شرکت شارل ژوردن در سال ۱۹۹۶، شماری محدود از عطر ارائه کرد. در ۱۹۹۹، فروشگاه اصلی مستقر در شهر رومانس، به شانزه لیزه درپاریس تغییر مکان پیدا کرد اما به دنبال معضلات مالی حاصل از تمرکز بر جزئی فروشی به جای طراحی، دوام آن به دو سال هم نرسید. در اواسط ۲۰۰۲، شرکت با بیش از ۹ میلیون دلار بدهی ناچار به اعلام ورشکستگی شد و خانواده ژوردن سهام خود را به صندوق سرمایه گذاری لوکزامبورگ واگذار نمود.

جالب اینکه، در اثنای ورشکستگی، فقط ۶۵ هزار جفت در سال از فروش کم شده بود.

1-Romans

2-Drome

دروم واقع در جنوب شرق فرانسه از آندسته نواحی به شمار می رود که سریعترین روند رشد را داشته در حالی که صنایع متنوعی در آن فعالیت دارند

3-Boulevard Voltaire

4-Rene, Charles and Roland

5-Christian Dior

6-Pierre Cardin

7-Luxembourg Investment Fund

منبع: en.wikipedia.org





Oscar de la Renta

از مد بانوان برای مزون
بالمین طراحی نمود، باید
اذعان کرد که او اولین فرد

اهل کشور دومینیکن به شمار می‌رفت که برای یک مزون شاخص
فرانسوی طراحی انجام داده بود.

اسکار دولارنتا همواره مخترع بوده که لباس‌های طراحی شده‌اش بر تن بسیاری از افراد
مشهور از گروه‌ها و کشورهای مختلف دنیا درخشیده است.

سایر محصولات

در سال ۱۹۷۷، عطر دولارنتا با نام «اسکار» ارائه شد و آنگاه در سال ۲۰۰۱، زیور آلات
دولارنتا روانه بازار گردیدند. اخیراً، موسسه دولارنتا اقدام به کسب و کار جدید طراحی داخلی
و تولید مبلمان، مشتمل بر: میز غذاخوری، میبل و کاناپه، تخت و نیمکت، کرده است.
در سال ۲۰۰۴، همچنین مجموعه البسه ارزان تر با برچسب «O Oscar» نیز به طیف
محصولات دولارنتا افزون گردیده است. وی هدف خود را از این تلاش، جلب مشتریانی
عنوان کرده که تا پیش از این تاریخ قابل دسترس نبوده‌اند.

جوایز، افتخارات

در دو سال پیاپی ۱۹۶۷ و ۱۹۶۸، دولارنتا موفق به کسب «Coty Award»، جایزه ی
صنعت مد ایالات متحده آمریکا شد. اسکار دولارنتا یکبار از ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۶، و سپس از
۱۹۸۶ تا ۱۹۸۸، ریاست انجمن طراحان مد آمریکا، CFDA را عهده دار بود. وی ضمناً
دو بار جایزه منتقدین مد آمریکا را به دست آورده است.

توجهات بین المللی به دولارنتا همواره برقرار مانده است. او در سال ۱۹۹۰، مخترع به
دریافت جایزه یک عمر موفقیت^۱ از CFDA شد و خوان کارلوس پادشاه اسپانیا دو جایزه
از جمله؛ مدال طلایی Bellas Artes و آنگاه جایزه ملی^{۱۰} دیگری را به اسکار دولارنتا
اهدا کرده است. دولارنتا مدال «لوژیون دونور» که از برترین افتخارات فرانسه محسوب
می‌شود را از دولت این کشور دریافت نموده است. از دیگر توفیقات وی در عرصه بین
المللی می‌توان به دریافت درجه افتخاری از کالج همیلتون نیورک در سال ۲۰۱۳ اشاره کرد.

- 1-Santo Domingo
- 2-Cristobal Balenciaga
- 3-Antonio Castillo
- 4-Lanvin –Balmain
- 5-Elizabeth Arden
- 6-Jane Derby
- 7-CFDA: Council of Fashion Designers of America
- 8-American Fashion Critic's Award
- 9-CFDA Lifetime Achievement Award
- 10-La Gran Cruz de la Orden del Merito Civil

اسکار دولارنتا، طراح مدساز، اهل کشور دومینیکن در آمریکای لاتین می‌باشد. وی در
سنت دومینگو^۱ در جمهوری دومینیکن متولد شد و تحت نظر طراحان لباس مشهوری
همچون کرسٹوبال بالنسیاگا^۲ و آنتونی کستیلو^۳ تعلیم گرفت. در دهه ی ۱۹۶۰ به دلیل
طراحی و دوخت لباس‌های ژاکلین کندی، همسر رئیس جمهوری وقت ایالات متحده
امریکا، نامش در صحنه بین المللی مطرح گردید. وی برای «لانوین»^۴ و «بالمین»^۵ کار کرد.
کارمزون دولارنتا طی سال‌های بعد با تهیه لباس برای شخصیت‌هایی از مقامات سلطنتی
گرفته تا ستاره‌های سینما، تا امروز تداوم داشته است. شهرت دولارنتا تا حد زیادی مرهون
طراحی لباس‌های فرش قرمز و لباس‌های شب است.

سال‌های نخست و آغاز فعالیت

اسکار دولارنتا از مادری اسپانیایی-ایتالیایی و پدری اهل کشور پورتوریکو، در خانواده‌ای
با فرهنگ و متجدد متولد شد. در سن ۱۸ سالگی برای ادامه تحصیلات به اسپانیا رفت و
در آکادمی سن فرناندو در شهر مادرید برای تحصیل در رشته نقاشی ثبت نام کرد. وی به
سرعت جذب دنیای طراحی مد و کشیدن طرح برای مزون‌های شاخص در اسپانیا گردید.
همین گرایش موجب شد تا برای کارآموزی نزد خیاط مشهور اسپانیایی، کریستوبال
بالنسیاگا داوطلب شود. او هنوز هم بالنسیاگا را مرشد خود تلقی می‌نماید. بعدها، دولارنتا
مدتی در سمت دستیاری آنتونیو کستیلو در مزون لانوین شهر پاریس کار کرد.

مسیر شغلی

در سال ۱۹۶۳، وی اعلام کرد که خواهان ورود به عرصه تولید لباس حاضری
است چرا که کسب درآمد بیشتر را در این شیوه

فعالیت یافته بود. به همین سبب برای مدت
دو سال با مزون آردن^۵ همکاری کرد
زیرا اعتقاد داشت الیزابت آردن یک
طراح نیست بلکه می‌تواند راهی
جهت پیشرفت و معرفی بهتر وی
به جامعه مد باشد. در سال ۱۹۶۵،
دولارنتا همکاری با جین دربی^۶ را آغاز
کرد و برچسب خودش را برای نخستین
بار ارائه نمود. زمانیکه این بانو در همان
سال درگذشت، دولارنتا توانست جانشین
جین دربی شود.

از سال ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۲، اسکار
دولارنتا کلکسیون‌های متعددی

